

توسل به مبارزه مسلحانه، حق دموکراتیک مردم ایران است!
اکبر تک دهقان 27 مهر 1388 - 19 اکتبر 2009

در جهان 30 سال اخیر، جریانی تروریست تر از رژیم اسلامی، وجود نداشته است! بنا به اطلاعات منتشره، سازمان منطقه ای " جنبش مقاومت مردمی ایران" (سابقاً: جندالله ایران) در استان سیستان و بلوچستان، خیر از انجام یک عملیات بزرگ و موفق میدهد. طی این عملیات که صبح روز یکشنبه 26 مهر - 18 اکتبر در شهر " پیشین"، مرکز بخش پیشین، واقع در 40 کیلومتری جنوب شهر راسک- مرکز شهرستان سرباز- در جنوب این استان صورت گرفته، بیش از 42 نفر از عناصر اصلی سپاه پاسداران و عوامل محلی رژیم اسلامی، به قتل رسیده اند. آمار تاکنونی، از مجروح شدن حداقل 30 نفر از سرکوبگران- همچنین کاملاً ناخواسته، گروهی از میان افراد غیردخیل- خبر میدهد. اقدام عنصر وابسته به سازمان بالا- از طریق عملیات انتحاری- علیه نشست مشترک پاسداران و مرتجعین محلی، موسوم به " نشست هم اندیشی سران طوایف سیستان و بلوچستان"، بوقوع پیوسته است. این نشست توطئه گرانه، باید سرکوب هر چه بیشتر مخالفت‌های سیاسی را مورد بحث قرار داده، بر امتیازات ضد دموکراتیک سران طوایف سنتی، در ترور و تحقیر زنان، دختران و جوانان مهر تأکید کوبیده، و اقدامات جاسوسان و سرکوبگران محلی را در همدستی با رژیم اسلامی، هماهنگ میکرد. مأمورین حکومت اسلامی، برای محافظت خود از عملیات نظامی احتمالی مخالفین، حتی برخی از مردم محلی بیگناه و غیردخیل در جریان این تجمع را نیز، به درون محل برگزاری نشست کذابی خود کشیده، و باعث مرگ و مجروح شدن نفراتی از مردم بی اطلاع نیز گشته اند. این اقدام پاسداران برای کشاندن پای مردم بیگناه به کشمشکهای نظامی، در چهارچوب موازین حقوق بین المللی، بشدت محکوم بوده، و هر دانشجوی سال اول رشته حقوق، به آن آگاه است. بجاست که وکلای مدافع دموکراتیک ایرانی در خارج، بویژه از میان شهروندان سیستانی و بلوچستانی، سریعاً ادعاینامه ای را در این رابطه تنظیم، و به مراجع قضایی بین المللی تسلیم نموده، مانع از تبدیل مردم بیگناه به گوشت دم توپ در یک منطقه نظامی، از سوی مأمورین رژیم جانی اسلامی گردند. اطلاعیه منتشره و سراسر دروغ سپاه پاسداران، در ارتباط با عملیات شهر پیشین، از توطئه دشمنان این رژیم، برای ایجاد اختلاف در میان شیعه و سنی، دم میزند! آیا دروغ و تحریفی بزرگتر از این، وجود دارد؟ رژیم اسلامی یک رژیم افراطی مذهب شیعه، طی 30 سال به ارتجاعی ترین شکلی، به سلب حقوق شهروندان غیر شیعه دست زده- که حتی اجازه اداره یک مسجد در پایتخت کشور را ندارند- امروزه قربانیان خود را، متهم به تشدید اختلافات در این زمینه ها میسازد. رژیم اسلامی تاکنون دهها نفر از شهروندان را به دلایل صرف مذهبی به جوخه اعدام سپرده، و احتمال صدور حکم اعدام برای وابستگان به مذهب بهائیت در شیراز نیز، شاهدهی زنده بر سلب بیرحمانه حقوق اولیه مردم در این رابطه، و " ایجاد اختلاف" بر پایه باورهای شخصی مذهبی در جامعه است. عملیات نظامی شهروندان عاصی از جنایات روزمره این رژیم در سیستان و بلوچستان، در دوره ای اتفاق افتاد، که هنوز زمان چندانی از اعدام شهروند آزادیخواه یعقوب مهرنهاد* 1 نمی گذرد. یعقوب مهرنهاد، یک روزنامه نگار* 2، فعال اجتماعی و تأثیرگذار در اقدامات متعددی بنفع مردم محروم این منطقه، و مسئول یک نهاد علنی بنام " انجمن جوانان صدای عدالت" در زاهدان بود. او که از نظر گرایش سیاسی نه یک فرد چپ و یا رادیکال، بلکه حتی به جناح رژیمی اصلاح طلبان نزدیک بود، به اتهاماتی واهی در اردیبهشت سال 1386 در زاهدان، بازداشت شد. مسئولین رژیم اسلامی بدون هیچگونه علائم قبلی، بیکیاره او را در روز 14 مرداد سال 1387 در زندان زاهدان، به دار آویختند. او در هنگام مرگ، علیرغم ذخیره بزرگی از فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، هنوز جوانی 29 ساله بود. یکی دیگر از آخرین جنایات وحشیانه رژیم اسلامی، در روز 23 تیر 1388- 14 ژوئیه 2009، و اعدام 13 نفر از شهروندان کشور در شهر زاهدان، به دلایل سیاسی، و یا اساساً ناروشن بود. زندانیان نامبرده، بهیچوجه از یک دادرسی عادلانه و حق داشتن وکیل برخوردار نشده، به تحقیرآمیزترین شکلی در یک پارک تفریحی در مرکز شهر، به چوبه دار آویخته شدند. این، میزان حق و حقوق شهروند این کشور، در شرایط سلطه رژیم پلیت اسلامی، و نمونه ای از 30 سال جنایت و ویرانگری آن است. عوامل جنایتکار رژیم اسلامی، دهه هاست، که مردم محروم این منطقه را به دلخواه خود، در کوچه و خیابان به گلوله می بندند؛ آنها را به دلیل انجام فعالیت‌های فرهنگی ساده و یا دفاع از خود حین تهاجم پاسداران، به قتل میرسانند؛ و یا بدون هیچ اتهام جدی و روشنی، عمدتاً بقصد ایجاد ارعاب سیاسی در منطقه، شهروندان جوان را به جوخه اعدام می سپارند. تاکنون صدها نفر از مردم این استان- که از فقر و بیکاری انبوه رنج میبرند- به اتهام نگهداری و نقل و انتقال مواد مخدر، به جوخه اعدام سپرده شده، و خانواده های آنها را از هم پاشانده اند. هیچ کسی باور نمیکند، که جز عوامل رژیم اسلامی و آخوندهای شیعه درنده خو، کسی قادر باشد، بازار چندین میلیونی مصرف کننده گان مواد مخدر در کشور را بچرخاند. رژیمی که همه ورودیها و خروجی های مرزها، فرودگاهها و بندرها، شهرها و خیابانها را توسط عناصر سپاه پاسداران مدیریت و یا کنترل کرده، در هر شهر و روستایی، دست به استقرار پلیس و پاسدار و بسیجی و لباس شخصی زده، کوچکترین فعالیت مخالفین را کشف و نابود کرده است، خود، سرکرده اصلی اداره بازار داخلی و صدور مواد مخدر بوده، و یا حداقل، سهم اصلی از درآمدهای آن را به چنگ می آورد. صدور حکم اعدام برای شهروندان فقیر و درمانده، از همه جا رانده و در گروگان این رژیم ددمنش، چیزی جز پوشاندن نقش تبهکاران حاکم، ایجاد ارعاب در جامعه، بویژه، در میان مخالفین سیاسی نیست. جنبش اعتراضی کنونی مردم ایران، که هم اینک علیرغم لطامات سنگین، ادامه دارد، خود اما از سوی جناحی از

سرکوبگران کنترل شده، و به بیراهه می‌رود. جریان اصلاح طلبان، لیبرال‌های اسلامی و ضدکمونیست‌های افراطی، که در تمام 30 سال، ترقی شغلی کرده اند، هم اکنون هم، جز تخریب جنبش اعتراضی فعلی هدفی ندارند. آنها، ابتکارات انقلابی مردم را، در تله شعار فاشیستی "جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه زیادت" گرفتار ساخته، آینده توسعه این جنبش را تهدید میکنند؛ در حالیکه، جنبش انقلابی مردم، برای فراروئی به سطح یک اقدام سرنوشت ساز، باید از سد اصلاح طلبان و بخش بزرگی از لیبرال‌های متحد آنان - در داخل و خارج- بگذرد. مبارزات مردمی، مستقل از اراده همگان و در محتوای خود، به سمت رویش قیام‌های متعددی پیش می‌رود، که در سطح سیاسی و رهبری اما، موانع بسیاری در جهت ناکامی آنها عمل میکنند. توده مردمی که از 30 سال برده گی در جهنم "امت اسلامی" خلاص میشوند، خواستار تغییرات سریعی بوده، نمیتوانند خود را بیش از این، معطل "الله و اکبر"، و "یا حسین، میرحسین" زندانیان و آمران قتل عام نسل جوان گذشته کنند. کسی که از تغییرات "مدنی" در این رژیم وحشی دم میزند، اگر احمق و بدبخت و برده صفت نباشد، حتماً یک شیاد و تبهکار و سرسپرده این ماشین آدمکشی است. نه فقط یک قیام مسلحانه، بلکه چندین قیام مسلحانه نیمه تمام و پیروز، منطقه ای و سراسری- سرنوشت مردم و کشور را رقم زده، گریزی از آن برای مردم ستم دیده، وجود ندارد. بنا به تجارب ماههای گذشته همچنین، رژیم اسلامی در برابر شعارهای اسلامی تحمیل شده به تظاهراتی مردم- که نتیجه دنباله روی آنها از اصلاح طلبان است- نه فقط نرم تر و قابل تحمل تر نشده، بلکه حتی دست به صدور حکم اعدام علیه مبارزین صدررئیمی زده، تحت این شرایط و با نیاتی سرکوبگرانه، چندین زندانی عادی را هم، به دار آویخته است. هم اینک نیز، گروههایی از زندانیان سیاسی و عادی، به دلایل واهی و یا ناروشن، بدون طی روندی از یک دادرسی قابل قبول، در معرض اجرای حکم اعدام قرار گرفته اند. اکثریت جریان‌های ارتجاعی در خارج از کشور، نظیر طیف توده ای- اکثریتی، جمهوریخواهان دروغین، و انواع دسته جات لیبرال اسلامی و یا ضدکمونیست در داخل- که مجموعاً جناح راست اصلاح طلبان حکومتی را تشکیل میدهند- جریان "جنبش مقاومت مردمی ایران" را، جریانی تروریستی مینامند. در حالیکه هر انسان اندکی سیاسی میدانند و می بیند، که رژیم اسلامی و همه ارگانهای آن، نه تنها جریاناتی تروریستی هستند؛ بلکه هیچ جریان دیگری در جهان پس از جنگ دوم، تروریست تر و جانی تر از این رژیم، وجود نداشته است. از این گذشته، گرایش مذهبی جریان سیاسی بالا، اولاً بخشی از تمایلات مردم تحت تبعیض مذهبی در حکومت اسلامی را بازتاب داده، و ثانیاً، این سازمان، خواستار یک حکومت مذهبی در ایران، و یا سیستان و بلوچستان نیست. در حالیکه اصلاح طلبان تحصیل کرده، استاد دانشگاه، مفسران ایرانی بی بی سی، رادیو آلمان و رادیو فردا، محقق و لیبرال، هنوز از جناح "خط امامی" دیکتاتوری فاشیستی حمایت نموده، حاضر به پذیرش حق مردم به سرنوشتی رژیم اسلامی- حتی در شرایط عصیان جامعه هم- نیستند. آیا همین لیبرال‌های ضدکمونیست افراطی نیستند، که هر از چندگاهی، چرخش "شبح لنین" بر فراز دانشگاهها و کشور را رویت کرده، کشف خود را با عجله به بازجویان اوین منتقل ساخته، آخوند وحشی را، به سرکوب و اعدام کمونیست‌ها و آزادیخواهان، تشویق میکنند؟ چه کسی مرتجع و تروریست است؟ استاد دانشگاه و مدیر تکیه داده بر محل کار اعدام شده گان دهه 60 و پیشرفت های مدیر و مسئول و مشاور و معاون وزیر سابق، که در خیابانهای تهران، جوانان را وادار به فریاد زدن شعار "الله اکبر" نموده، و از موسوی مرتجع حتی، عدم "ساختار شکنی" را طلب میکنند! و یا مبارزین عاصی از میان مردم عادی، محروم و در مناطق دور از پایتخت، فاقد هرگونه رابطه ای با "نخبه گان" خودستا و رژیم، و بدون موقعیت ویژه سیاسی، اقتصادی و یا آکادمیک در جامعه؟ اگر جریان "جنبش مقاومت مردمی ایران"، جریانی تروریستی است، در این صورت، هر لیبرال ایرانی- مذهبی و غیر مذهبی- در داخل و خارج از کشور هم، یک تروریست، چه بسا، بدترین نوع آن است؛ از آنجا که طی 30 سال، از جانی ترین دارودسته تروریست در جهان حمایت کرده است.* 3 پیدایش مبارزه مسلحانه در ایران، روندی اجتناب ناپذیر بوده، به هسته اصلی و طبیعت مبارزات توده ای، علیه سلطه گران پلید در این کشور، تعلق دارد. اگر مبارزات مردم در دوران انقلاب مشروطیت (1293-1285) و انقلاب بهمن (1360-1349)، به حداقل نتایجی در مقاطع اولیه آن دست یافت، این تنها و تنها، بدلیل وجود و تأثیر مبارزه مسلحانه است. مبارزات دموکراتیک در فاصله سالهای 1320 تا 1332 اما، علیرغم حضور دو حزب متشکل- حزب توده و جبهه ملی- همچنین دهها اتحادیه و تشکل توده ای، و صدها نظامی مسلح و متشکل- حتی در سطوح افسران ارشد- بدون عامل توسل به قیام مسلحانه، به شکست منجر شده، تحقیر و برده گی و حکومت ساواک، و تبدیل ایران به یک کشور تحت سلطه، انتهای آنهمه جانفشانیهای مردم بود. تثبیت حکومت اسلامی در طی حمام خون سال 1360 به بعد نیز، در وجه غالب خود، به خیانت علنی شبه روشنفکران توده ای- اکثریتی، و اشتباهات بزرگ جریانات چپ روشنفکری چپ ضد شوروی- سابقاً مجاهد و یا خارج از کشوری، مائوئیست و تروتسکیست- در تهاجم "ایدئولوژیک" غیرصادقانه به سازمان فدایی و انبوه هواداران پرشور و کم تجربه آن، بمنظور بی اعتبار ساختن سنت مبارزه مسلحانه مربوط بوده، 30 سال جهنم اسلامی، ماحصل مستقیم رویدادهای دوره فوق نیز است. برای مدافعین آزادیهای دموکراتیک در سیستان و بلوچستان باید روشن باشد، که هیچ حقی، بالاتر از حق حیات نیست. اگر سهم شهروند سیستانی و بلوچستانی، تحت شرایط این رژیم بربرمنش، چیزی جز تحمل بی حقوقی محض و تبعیض گسترده نیست، در این صورت، جز مرگ زجرآور هرروزه هم، چیزی در انتظار او نیست. توسل به مبارزه مسلحانه و ارتقاء آن به سطح یک مبارزه حرفه ای و متکی بر نظامات دموکراتیک، دفاع از حق حیات انسانی، و عین زندگی آزادانه

خواهد بود. هرچه مبارزه مسلحانه در این منطقه، از نظر کیفی و کمی، توسعه یابد، بهمان میزان، چشم اندازهای شیوع خیزشهای مسلحانه، برای بگورسپردن این ماشین درنده خویی و کشتارجمعی، روشن تر خواهند گشت.

توضیحات *1- نشانی وبلاگ شخصی یعقوب مهرنهاد، و آخرین نوشته او در این وبلاگ:

<http://mehrnehad.blogfa.com>

کسب اطلاعات دقیقتر در باره یعقوب مهرنهاد در ویکی پدیا:

http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%D8%B9%D9%82%D9%88%D8%A8_%D9%85%D9%87%D8%B1%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF

اطلاعات موجود در ویکی پدیا، خنثی و بیروح، و تقریباً از موضع لیبرالیسم سلطنتی- اسلامی است. از این رو، برای کسب اطلاعات دقیق تر، رجوع به منابع دیگر هم مفید است. *2- سرپرست روزنامه مردمسالاری در زاهدان، یک روزنامه وابسته به اصلاح طلبان. *3- " دزد چو با چراغ آید، گزیده تر برد کالا " ! - برای آشنایی با سیستان و بلوچستان، شهرستانها، بخشها و شهرهای آن، به نشانی زیر مراجعه نمایید:

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B3%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%88_%D8%A8%D9%84%D9%88%DA%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86

اطلاعاتی پیرامون سیستان و بلوچستان از یک منبع رژیم.

<http://www.anobanini.ir/travel/fa/sistan-b>

شهرستان سرباز در جنوب استان سیستان و بلوچستان قرار داشته، دارای مرکزی بنام شهر راسک است؛ همچنین شهر کوچکی بنام شهر سرباز نیز، در شمال این شهرستان واقع است، که شهرستان را بدان نام مینامند. استان سیستان و بلوچستان دارای 14 شهرستان بوده، و از نظر پهناوری و پوشش گیاهی، بزرگترین استان کشور، و دارای متنوع ترین نوع پوششهای گیاهی در ایران محسوب میگردد. - حادثه کنونی نه در شهر کوچک سرباز در شمال این منطقه، بلکه در قسمت جنوبی شهرستان سرباز، در شهر " پیشین"، روی داده است. شهر سرباز در شمال این شهرستان، و شهر پیشین، در مرکز یک بخش جنوبی این شهرستان واقع شده اند.